

دوشنبه ۴ مرداد ماه ۱۴۰۰ • ۱۴۴۲ ذی الحجه ۱۵ • 26 Jul 2021



# نگاهی به رسانه ها

بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه ها

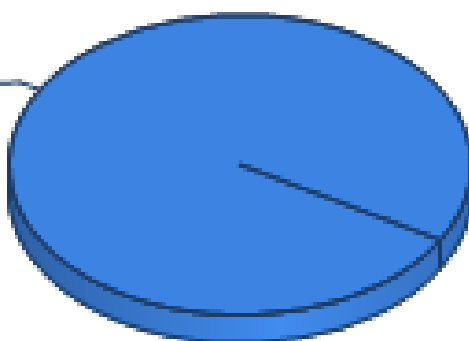
## تعداد کل محتوا: ۱۲



روزنامه

۱۲

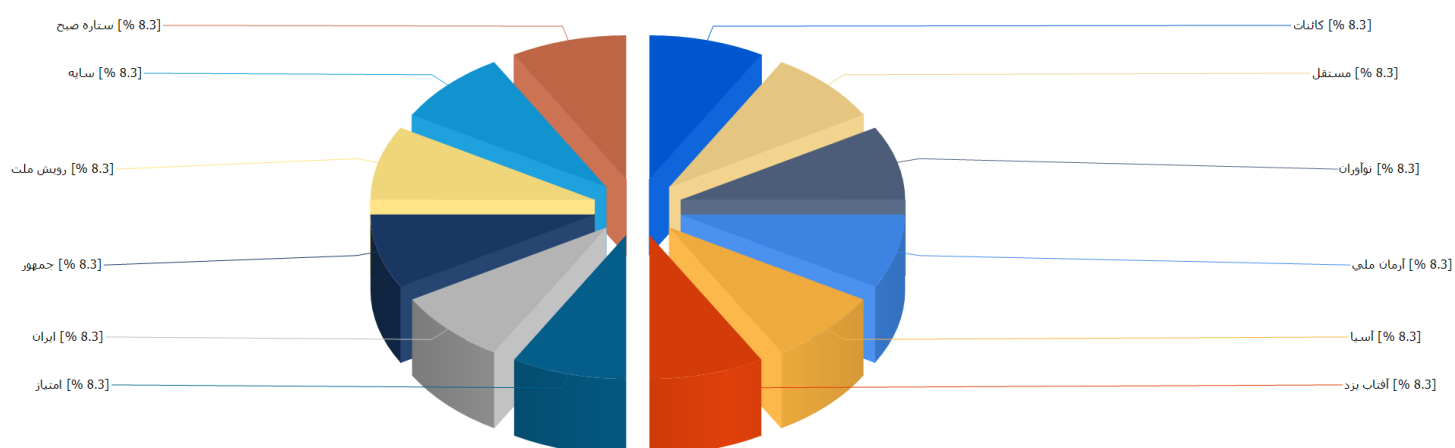
روزنامه: 100.00 %



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

ردیف	نام منبع	فراوانی	درصد فراوانی
۱	آرمان ملی	۱	۸/۳
۲	آسیا	۱	۸/۳
۳	آفتاب یزد	۱	۸/۳
۴	امتیاز	۱	۸/۳
۵	ایران	۱	۸/۳
۶	جمهور	۱	۸/۳
۷	رویش ملت	۱	۸/۳
۸	سایه	۱	۸/۳
۹	ستاره صبح	۱	۸/۳
۱۰	کائنات	۱	۸/۳
۱۱	مستقل	۱	۸/۳
۱۲	نواوران	۱	۸/۳
	جمع کل	۱۲	۱۰۰

## نمودار فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



## فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	برای دوباره ساختن باید چند برابر تلاش کرد	آرمان ملی
۸	دیگر حتی مرده پرست هم نیستیم	آسیا
۹	فرهنگ رکن اساسی هر ملت و کشوری است	آفتاب یزد
۱۰	بازدید اعضای انجمن هنرهای نمایشی گلستان از ساختمان «سرای هنرمندان» در گرگان	امتیاز
۱۱	هنوز می شود خندید و خنداند	ایران
۱۲	برنامه های «لاموزیکا» به هم ریخت	جمهور
۱۳	کسی پاسخگوی تئاتری ها نیست	رویش ملت
۱۴	انتشار فراخوان هفدهمین جشنواره «تئاتر کوردی سقز»	سایه
۱۵	آخرین وضعیت فعالیت سینماها و تئاترها	ستاره صبح
۱۶	اجرای دو نمایش از ایران در تئاتر پیچرسکای اکراین	مستقل
۱۷	در شرایط کرونایی کسی پاسخگوی تئاتری ها نیست	نوآوران
۱۸	دیگر حتی مرده پرست هم نیستیم	کائنات



## ◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب







مریم کاظمی:

## برای دوباره ساختن باید چند برابر تلاش کرد

ایده آل ها و علایق شان عوض می شود و انگیزه های متفاوتی پیدا خواهند کرد و کار آموزش تئاتر که از چند سال پیش شروع کرده اند ناتمام می ماند. انتخاب داستان های کلاسیک برای اقتباس بر چه اساس صورت گرفت و اینکه رده سنی هنر جوان هم در این انتخاب موثر بوده است؟

در انتخاب داستان ها خود گروه های اجرایی در ترم دوم آموزشی بسیار کمک کرده اند. با توجه به گزینه هایی که در اختیارشان قرار دادم انتخاب را به آنها سپردم ولی برایم مهم بود که داستان هایی باشد که یا خوانده اند و یا فیلم و انیمیشن آن را دیده اند. رده سنی با توجه به اهمیت مطالعه در نظر گرفته شده است. به این توجه داشتم که ارتباط نسل فعلی با ادبیات کلاسیک کمرنگ شده است و به واسطه فیلم ها یا کارتون ها، کتابخوانی جذابیت خود را از دست داده است. اینکه داستان در نمایش بسیار مهم است و چگونه داستان به نمایشنامه تبدیل خواهد شد را باهم شروع کردیم و باهم به اجرا رساندیم.

به عنوان هنرمندی که فعالیت گسترده ای در زمینه تئاتر کودک و نوجوان دارید مشکل اصلی این حوزه را در چه می بینید به خصوص با وجود بحران کرونا که به نظر می رسد تئاتر کودک بیشترین لطمه را خورده است.

همه گونه های تئاتری و حتی سینما با بحران تماشاگر روبه رو هستند و از آنجایی که تئاتر به سمت گیشه ها هل داده شده این بحران جدی است و شاخص کمبود درآمد برای گروه های نمایشی است که وابسته به گیشه هستند. حمایت های دولتی تناسبی با هزینه ندارد و متعاقباً تولید تئاتر به دلیل عدم صرفه اقتصادی کمرنگ و فلج می شود.

این موضوع به خصوص در تئاتر کودک و نوجوان خود را نشان می دهد زیرا توقف زمانی باعث می شود نسلی از بچه هایی را که در حال بزرگ شدن هستند از دست بدهیم. از عقاید و علایق شان دور میمانیم و متقابلاً بچه ها هم ارتباط اجتماعی را که به واسطه تئاتر می توانستند حس و درک کنند از دست می دهند و به این ترتیب رابطه ها از هم دور می شود و دور هم جمع شدن با تردید همراه خواهد شد. برای دوباره ساختن باید چند برابر تلاش کرد. آیا می توانیم؟ باید دید.

در همه آکادمی ها و آموزشگاه ها توسط استادان و مربیان خبره وجود دارد و خانواده ها به راحتی می توانند با توجه به سلیقه و امکانات خود یکی را انتخاب کنند. قصد من هدفمند کردن کار خودم به عنوان مربی و بالا بردن سطح تعامل بچه ها در رابطه با یک گروه اجرایی است. اگر دقت کنید این جشنواره در نخستین دوره صرفاً به کارهای اجرایی آموزشگاه تئاتر مستقل می پردازد ولی می تواند زمینه ای برای گسترش این ایده برای علاقه مندان باشد.

از لحاظ مالی هزینه های جشنواره چطور تامین می شود و آیا حمایت دولتی برای برپایی این رویداد داشته اید؟

این جشنواره کاملاً خصوصی و با حمایت خانواده های گروه های مختلف اجرایی فعالیت خود را شروع کرده است. مطالبه کمک و حمایت کرده ایم ولی تاکنون هیچ حمایت مالی دریافت نکردیم ولی کمک های مشارکتی داشته ایم مثلاً تمرین های ما در ۲ ماه گذشته در مجموعه سالن های یکی از مجتمع های فرهنگی تهران انجام شده و به طور کامل و تمام وقت حتی روزهای تعطیل ما را پوشش کامل داده اند. پردیس تئاتر تهران هم برای زمان جشنواره ۲ سالن اصلی و استاد محمدرضا برای اجراها در اختیارمان گذاشته است. همکاران و دوستان تئاتری در همه زمینه ها با دستمزد کم یا حتی رایگان به ما کمک رسانده اند چون همه به ماهیت برگزاری جشنواره ایمان داشته و داریم.

برنامه ای برای اجرای عمومی نمایش های جشنواره دارید؟

بله. چنانچه خانواده ها موافق باشند و امکانات اجتماعی اجازه دهد حتماً این دورنما را داریم. این تصمیم به بعد از تعطیلات دو ماهه محرم و صفر موکول خواهد شد.

اینکه کارگردانی همه آثار برعهده خود شماست کار داوری را سخت نمی کند و برای خودتان در هماهنگی اجراها مشکل ساز نیست؟

بله. بسیار سخت است و کار زیادی می برد. تقریباً تمام وقتم صبح و شب به هماهنگی و برنامه ریزی و کارگردانی و آماده سازی اجراها و خودستاد اجرایی جشنواره می گذرد. کارهای پایانی چندین دوره آموزشی به امسال موکول شد و دیگر نمی توانستم آن را به تعویق بیندازم، زیرا بچه ها بزرگ می شوند و

مریم کاظمی مدیر نخستین فستیوال آموزشی پنجم درباره دلایل شکل گیری این رویداد و لزوم هدفمند کردن آموزش به کودکان و نوجوانان توضیحاتی ارائه داد. قرار است اولین جشنواره آموزشی تئاتر پنجم با مدیریت مریم کاظمی نمایشنامه نویس، بازیگر، کارگردان و سرپرست گروه تئاتر «مستقل» از ۳ تا ۷ مردادماه در پردیس تئاتر تهران برگزار شود. در این جشنواره فعالیت سه سال آموزش تئاتر بیش از ۱۰۰ هنرجوی کودک و نوجوان با مربیگری مریم کاظمی اجرا خواهد شد که بر این اساس هفت نمایشنامه با اقتباس از هفت داستان کلاسیک کودکان و نوجوانان برای آموزش، تمرین و اجرا نوشته و آماده شده است. مریم کاظمی سال هاست که علاوه بر کارگردانی و اجرای نمایش های بزرگسال در حوزه تئاتر کودک و نوجوان نیز فعالیت چشمگیری چه در زمینه اجرای تئاتر و چه آموزش دارد و دبیری ۲ دوره از جشنواره تئاتر کودک و نوجوان همدان را نیز در کارنامه خود به ثبت رسانده است. با نیمه تمام ماندن اجرای نمایش «کلوچه دارچینی» و تمرین نمایش «ماه پیشونی» به دلیل بحران کرونا، کاظمی تصمیم به برای نخستین فستیوال آموزشی تئاتر پنجم گرفت. به همین بهانه «مهر» گفت و گوی کوتاهی با این هنرمند درباره دلایل شکل گیری و ویژگی های این جشنواره و مشکلات تئاتر کودک و نوجوان داشته است که در ادامه می خوانید:

ضرورت شکل گیری جشنواره تئاتر پنجم با توجه به کمبودی که در زمینه آموزش تئاتر کودک و نوجوان و پرورش هنر جو وجود دارد از جانب شما چه بود؟

ایده برگزاری جشنواره پنجم به منظور توجه به کمبود آموزش نبوده است بلکه به این منظور است که آموزش هدفمند شود و کودک سالان و نوجوانان متوجه جنبه کاربردی آموزش هایی که می بینند، باشند. بسیاری از بچه ها دلیل آموزش های مدرسه ای را نمی دانند، کاربرد ریاضی و علوم پایه یا علوم انسانی را در جامعه نمی دانند و نقش خود را در زندگی دیر پیدا می کنند، بنابراین قصد من این نبوده که به کمبود آموزش اشاره کنم که به نظرم کمبودی وجود ندارد، آموزش های بسیار خوبی در این زمینه

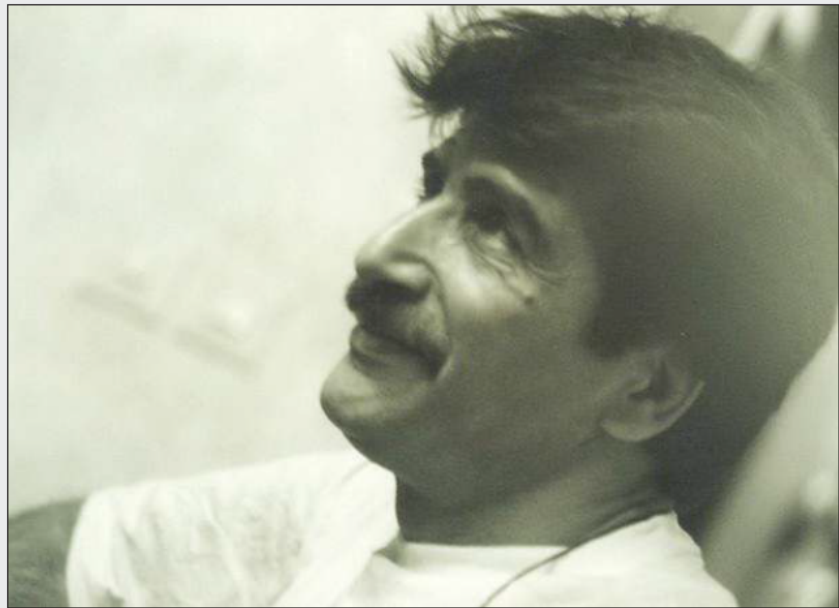
## دیگر حتی مرده پرست هم نیستیم

گرفتاری دارند که در بهترین حالت می‌توانند امور روزمره تئاتر را سر و سامان بدهند چه برسد به موضوعاتی مانند حفظ خانه هنرمندان یا راه‌اندازی موزه برای آنان. خانه محمود استادمحمد اما خانه‌ای ساده بود، در خیابان پلیس، رونق این خانه کوچک به صفای صاحبخانه بود. استادمحمد همان اندازه که فریفته تئاتر بود، به گل‌ها و گیاهان هم عشق می‌ورزید و خانه او با همه کوچکی‌اش، باغچه‌ای بزرگ داشت، باغچه‌ای پر طراوت و پر از شور زندگی و مرد صاحبخانه هر زمان که فرصتی دست می‌داد، ساعت‌ها با این باغچه در راز و نیاز بود.

این خانه محل نگارش بسیاری نمایشنامه‌ها بوده است، محل سرودن بسیاری ترانه‌هایی که عموماً جایی منتشر نشده‌اند. در این خانه چه بسیار ایده‌هایی که برای اجرای نمایش رد و بدل شده و خدا می‌داند تک تک اجراهای آن چه بسیار از تئاتر شنیده‌اند. این خانه اگر در کشوری صاحب تئاتر بود، حتماً در حفظ و نگهداری‌اش تلاش می‌شد، حتماً موزه‌ای در آن راه‌اندازی می‌شد تا نسل‌های بعدی و دوستداران تئاتر بدانند خانه یکی از مهم‌ترین نمایشنامه‌نویسان اجتماعی‌شان چگونه مکانی بوده است. اما این حسرت را هم اضافه می‌کنیم به بسیاری حسرت‌های دیگر.

محمود استادمحمد، با نگارش نمایشنامه‌هایی همچون «آسید کاظم»، «شب بیست و یکم»، «قصص القصر»، «آنها مامور اعدام خود هستند»، «خونیان و خوزیان»، «سیری محتوم»، «چهل پله تا مرگ»، «عکس یادگاری»، «سپنج رنج و شکنج»، «دیوان تئاتر»، «تهرن» و ... در تئاتر ایران زمین ماندنی است حتی اگر هیچ کجای ایران به نمایش نباشد. او با بازی در نقش «خر» نمایش مشهور «شهر قصه» بیژن مفید در یاد دوستداران هنر همیشه زنده است.

سحرگاه سوم مرداد سال ۱۳۹۲ تئاتر ایران یکی از دوستداران راستین خود را در بیمارستان جم از دست داد. عاشقی که در محله اعدام به دنیا آمد و زندگی نه چندان بلند شصت و سه ساله‌اش بسیار فراز و فرود بسیار داشت اما یک چیز در آن ثابت بود: عشق به تئاتر و گل‌ها.



سالروز درگذشت محمود استادمحمد، دخترش مانا می‌گوید در این سال‌ها هیچ پیشنهادی از سوی هیچ مقام و مسئولی برای راه‌اندازی موزه محمود استاد محمد، نامگذاری خیابان یا کوچه‌ای به نام او و حتی ابراز تمایل برای نگهداری از وسایل شخصی‌اش در موزه‌ای صورت نگرفته است.

مانا استادمحمد درباره تصمیم‌گیری برای راه‌اندازی موزه‌ای به نام این هنرمند به ایسنا می‌گوید: تاکنون هیچ پیشنهادی از سوی هیچ نهادی برای نگهداری خانه پدرم یا تبدیل آن به فضایی فرهنگی نداشته‌ام. هیچ صحبتی هم انجام نشده که به عنوان مثال وسایل شخصی ایشان در مکانی عمومی در معرض دید مخاطبان قرار بگیرد.

او یادآوری می‌کند: آنچه در سال‌های گذشته در بنیاد محمد استادمحمد رخ داد، با توان فردی خودمان بود که به طور شخصی از بعضی مسئولان درخواست همراهی می‌کردیم و آنان نیز به دلیل رابطه عاطفی که با پدرم داشتند، ما را در انجام امور بنیاد یاری می‌دادند ولی همه اینها به شکل فردی و دوستانه بود و سازماندهی شده نبود. بلکه کمک‌های احساسی و عاطفی بود.

مانا استادمحمد از مساله‌ای دیگر هم سخن می‌گوید: این روزها مدیران فرهنگی آنقدر

در اوج شیمی درمانی‌اش نه نگران تحریم دارو بود و نه در اندیشه هزینه‌های کمرشکن درمان، همه فکر و ذکرش پیش تئاتر بود. محمود استادمحمد چنین هنرمندی بود؛ بغایت عاشق.

دیروز، سوم مرداد هشتمین سالروز درگذشت محمود استادمحمد است. هنرمندی که گویی از دل تاریخ آمده بود و عشقی اساطیری داشت. آنچنان که هر از زمان از تئاتر سخن می‌گفت، می‌توانستی حس کنی چگونه از عمق وجود خود سخن می‌گوید.

حتی زمانی که در بستر بیماری به دیدارش می‌رفتیم، همه سخنش از تئاتر بود و دلگیر بود که آینده این تئاتر را نمی‌شود پیش‌بینی کرد. می‌گفت شوربختی ماست که در تئاترمان واژه «تولید»، جایگزین «خلق» شده است.

و طبیعتاً چنین عاشقی آنچنان که باید قدر نمی‌بیند و این قدر نادیدگی هم در دوره حیاتش رخ داد و هم پس از آن.

تا سال‌ها پیش از مرده‌پرستی به عنوان یکی از ایرادهای فرهنگی‌مان می‌گفتیم، اینکه وقتی عزیزی را از دست دادیم، تازه سیل توجه‌ها به سوی او معطوف می‌شود ولی حالا سالیانست که دیگر مرده پرست هم نیستیم و این گونه است که در هشتمین



علی اوسپوند:

# فرهنگ رکن اساسی هر ملت و کشوری است

استفاده کننده ارائه کنیم به خصوص که در بحث ما، صحبت از یک محصول فرهنگی است که خیلی در آموزش درست مبانی اولیه تئاتر و نیز بالا بردن دانش جامعه فرهنگی و به ویژه فعالان عرصه نمایشی اعم از نمایشنامه نویسان، کارگردانان، بازیگران و حتی منتقدان و نویسندگان ما موثر است. در دانشگاه من و هم‌سلان من آموختیم که حتی اگر می‌خواهید نمایشی در گونه مدرن، سوررئال و... هم کار کنید، حتماً باید از حوزه رئال عبور کرده باشید. بنابراین چه بهتر که ما در وهله نخست با انتخاب و ارائه نمایش‌هایی از این دست، الفبای تئاتر را به درستی به مخاطبان و حتی علاقه‌مندی که برای مثال در یک روستای دورافتاده زندگی می‌کند، آموزش و ارائه دهیم.



**راہ‌اندازی تلویزیون تئاتر ایران و افزایش کیفیت ارائه آثار نمایشی و کارگاه‌های آموزشی در حوزه تئاتر در این پلتفرم به‌ویژه برای مخاطبانی که امکان رفتن به سالن تئاتر را ندارند یا در شهرهای دور از مرکز بدون امکانات نمایشی زندگی می‌کنند، بدون شک دارای تأثیر بالایی است**

تئاتر می‌تواند در گسترش فرهنگ تئاتر و افزایش سطح دانش مخاطبان و فعالان این عرصه تأثیرگذار باشد؟  
حتماً اقدامی تأثیرگذار و جریان‌ساز است. همانطور که چاپ و انتشار کتاب‌های تئاتری و سینمایی و به طور کل نمایشی اثرگذار است که به طور مثال الان مجموعه‌هایی تشکیل شده و افراد باصلاحیت و بآشنایی چون دکتر صادقی و دکتر عزیزی در راس‌شان قرار گرفته‌اند و این عزیزان آمده‌اند تعدادی نمایشنامه‌های ناب چه از بنامان و چه حتی گمنام و خوانده‌نشده را انتخاب و منتشر کرده‌اند. حالا کاری به تیراژشان ندارم که مثلاً تعداد ۵۰۰ جلد رقم چندان قابل توجیهی نیست اما همین که این حرکت انجام و آغاز شده در حوزه نشر کتاب، در حوزه ارائه نمایش در فضای مجازی و پلتفرم‌هایی چون تلویزیون تئاتر ایران خیلی مفید خواهد بود به خصوص متن‌ها و نمایش‌های طراز اول خارجی؛ حالا الزام نداریم در نخستین گام‌ها، سراغ نمایش‌هایی که ارائه‌شان مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت است برویم اما در گام‌های بعدی می‌توانیم به فراهم آوردن زمینه و سرمایه لازم، حتی به سراغ این گونه آثار هم برویم تا ذهن و ذخیره دانش فعالان و مخاطبان پیگیر عرصه نمایش را هر چه بیشتر غنی کنیم. این مسئله در حوزه آموزش و برگزاری و پوشش کارگاه‌های تخصصی تحلیل و آموزش مبانی تئاتر هم صدق می‌کند.

**تأکید ویژه‌ای بر کیفیت ارائه آثار در حرف‌های شما وجود دارد؟**

بله، همین طور است. به هر حال وقتی وارد حوزه‌ای می‌شویم، سعی داریم مقبول‌ترین و قانع‌کننده‌ترین محصول را به مصرف‌کننده و

علی اوسپوند بازیگر تئاتر، تلویزیون و سینما تجربه قابل توجهی درباره حضور در تله تئاتر دارد. بازی در تله تئاترهای مختلف از جمله «ماجرای رونالد و مادرش» به کارگردانی زنده‌باد حسین پناهی و «انگشتری ژنرال ماسپاس» از دیگر فعالیت‌ها و تجربه‌های نمایشی اوست که حالا بازیگری بنام در عرصه تئاتر و تلویزیون و سینمای ایران است. ایران تئاتر با علی اوسپوند در مورد تلویزیون تئاتر ایران گفتگو کرده است. او تأکید ویژه‌ای بر اهمیت و ضرورت راه‌اندازی و همچنین کیفیت ارائه آثار در تلویزیون تئاتر ایران دارد و وجود این پلتفرم را ضروری می‌داند. محاصل این گفتگو را در ادامه می‌خوانید.

**تلویزیون تئاتر ایران چقدر در افزایش مخاطبان تئاتر و فراهم آوردن امکان تماشای دسترسی آسان و ایمن آن‌ها موثر بوده است؟**

این رویکرد که از نظر ارائه منسجم عرصه فیلم تئاتر و امکان ارائه نمایش‌های مختلف کار شده، بسیار کار پسندیده، عالی و ضروری به شمار می‌آید. همین الان که در حال برگزار کردن آزمون هستیم از هنرجویانی که قصد ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته‌های هنری دارند، شاهد هستم که تمام این هنرجویان رفته‌اند از طریق پلتفرم‌های ارائه آثار نمایشی از جمله تلویزیون تئاتر ایران فیلم تئاترها و نمایش‌ها را دیده‌اند که در شکل‌گیری ذائقه و افزایش دانش آن‌ها بسیار اثرگذار بوده است. ببینید هنرجویی هست که در روستا زندگی می‌کند یا در یک شهر دورافتاده و دسترسی به سالن‌های نمایش ندارد. این گونه مخاطبان تنها از طریق دیدن فیلم تئاتر و پلتفرم‌هایی چون تلویزیون تئاتر به نمایش‌ها دسترسی دارند و این نکته مهمی است در اهمیت جایگاه این پلتفرم. کرونا هم که این شرایط را محدودتر ساخته است، بنابراین راه‌اندازی تلویزیون تئاتر ایران و افزایش کیفیت ارائه آثار نمایشی و کارگاه‌های آموزشی در حوزه تئاتر در این پلتفرم به‌ویژه برای مخاطبانی که امکان رفتن به سالن تئاتر را ندارند یا در شهرهای دور از مرکز بدون امکانات نمایشی زندگی می‌کنند، بدون شک دارای تأثیر بالایی است. از دیگر سو گروه‌های نمایشی هم که در این شهرهای نه چندان برخوردار از امکانات لازم در حال کار تئاتر هستند، با استفاده از این امکان که در گذشته وجود نداشت، می‌توانند کارهای ناب خود را به نمایش بگذارند و با انگیزه به مراتب بالاتری ادامه مسیر بدهند و مخاطبان افزون‌تری هم به تماشای نمایش‌هایشان بنشینند. ضمن اینکه در دوره ما نهایتاً با یک یا دو دوربین تصویربرداری می‌شد اما اگر بتوان امکانی فراهم آورد تا با حمایت نهادهای متولی، یک گروه حرفه‌ای تصویربرداری با چندین دوربین و با حضور کارگردان تلویزیونی از نمایش‌های ارائه شده در تلویزیون تئاتر ایران تصویربرداری کنند تا خروجی نهایی کار در سطح بالایی ارائه شود، جزئیات بازی‌ها، تحلیل‌هایی که نویسنده و کارگردان متن در نظر دارد، کاملاً به تماشاگر و مخاطب منتقل می‌شود و ارائه اثر نمایشی ساختار درستی پیدا می‌کند.

**چقدر ارائه نمایش‌هایی به کارگردانی بزرگان عرصه**

**نظرتان در مورد پدید آمدن امکان آموزش از طریق پوشش و ارائه نشست‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی از طریق تلویزیون تئاتر ایران چیست؟**

همیشه گفتم که فرهنگ بنیان و رکن اساسی هر ملت و کشوری است. شما اگر بررسی داشته باشید، بهترین اشاره و مثال یونان باستان است؛ آن‌ها عصر طلایی داشته‌اند در عرصه نمایش و نمایشنامه‌نویسی، در حالی که ما هم عناصر لازم را برای این کار در اختیار داشتیم اما کسی نبوده که این‌ها را مکتوب و ثبت کند. ببینید اگر آن‌ها هومر را داشته‌اند ما هم فردوسی و اثر سترگش را داشتیم، اگر آن‌ها ایللیاد و اودیسه داشته‌اند ما هم شاهنامه را در اختیار داشتیم اما کسی نیامد این متن بی‌ظنیر رو تبدیل به نمایشنامه کند چون متأسفانه کشورمان از همان زمان‌ها درگیر مسائل و مشکلات حاشیه‌ای بوده است؛ بنابراین وقتی هنر و فرهنگ یک مملکت، اساس و پایه و یکی از محورهای توسعه آن قرار می‌گیرد، امروزه آن را به نمایش و تئاتر می‌شناسند. خیلی روشن است که اگر ما در حوزه فرهنگ و آموزش فرهنگی با ضرورت‌شناسی به سراغ سرمایه‌گذاری در این عرصه برویم، مطمئن باشید با غنی‌تر ساختن زیربنای فرهنگی‌مان، جایگاه رفیع‌تری در اختیار خواهیم داشت.

**و سخن آخر...**

از زمان همه‌گیری کرونا، متأسفانه فشار فزاینده‌ای به خانواده تئاتر کشور وارد شده و خیلی از فعالان تئاتری به‌خصوص کسانی که در شهرستان‌ها فعالیت می‌کنند یا کسانی که چندان برای مخاطبان عام شناخته‌شده نیستند دچار مشکل هستند که همچنان هم تداوم دارد. حمایت‌های گاه‌به‌گاه هم چندان موثر و کارا نبوده و لازم است شرایطی فراهم شود که حمایت‌ها شکل کاربردی‌تری داشته باشند. اتفاقاً اهمیت تلویزیون تئاتر ایران در چنین بزنگاهی روشن می‌شود. می‌توان حالا که به دلیل کرونا تئاتر کشور با تعطیلی‌های بی‌دری مواجه شده و مخاطب نمی‌تواند به سالن‌های نمایش برود، با برنامه‌ریزی شرایطی فراهم کرد که اهالی تئاتر در فضای امن کار تولید کنند و از طریق این پلتفرم این آثار را به مخاطبان ارائه کرد. امیدوارم متولیان و تصمیم‌سازان تئاتر کشور به این نکته توجه ویژه داشته و برای آن راهکار اجرایی بیابند.

**بازدید اعضای انجمن هنرهای نمایشی گلستان  
از ساختمان «سرای هنرمندان» در گرگان**

با حضور و همراهی مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان، اعضای انجمن هنرهای نمایشی گلستان از ساختمان «سرای هنرمندان» در گرگان بازدید کردند. اعضای انجمن هنرهای نمایشی استان گلستان با همراهی عادلہ کشمیری مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان از ساختمان «سرای هنرمندان» در گرگان بازدید کردند. کشمیری در این بازدید ضمن قدردانی از استاندار گلستان به خاطر تدبیر و پیگیری تخصیص این ملک به منظور تاسیس سرای هنرمندان، از اعضای انجمن خواست تا هر چه سریعتر دفتر خود را به این مکان منتقل کرده و فعالیت‌هایشان را پیگیری نمایند. وی افزود: هم اکنون در حال بازسازی آن هستیم و امیدواریم در فاصله اعیاد قربان تا غدیر این مکان به بهره برداری برسد.

کارگردان تئاتر شهرستان اهر از طنز در روزگار سختی می گوید

## هنوز می شود خندید و خنداند

محسن یوالحسنی  
خبرنگار

محمد یاری مقدم بازیگر و کارگردان تئاتر است و سال هاست در شهرستان اهر، کار نمایش می کند و در جشنواره های مختلف تئاتری هم جایزه های متعددی به دست آورده است. یاری مقدم که در دوران کرونا هم نمایش «روز بخیر آقای اقبال» را روی صحنه برده شرایط اجرا در دوران کرونا را می داند که مقتضیات خاص خود را دارد.



او در گفت و گو با «ایران» این جزئیات را این چنین تشریح می کند: «خود من به شخصه در ماه های اول آنچنان نگرانی نداشتم و فکر می کردم این مسأله نهایت یکی دو ماه طول می کشد و بعد از گذران این دو سه ماه همه چیز باز به روال سابق برمی گردد. هرچه گذشت اما دیدیم که این ماجرا و این ویروس انگار سر سازش و نابودی ندارد و اگر بقیه روزها و ماه های آینده را هم به انتظار بنشینم تا اوضاع بهتر شود ممکن است نتیجه ای جز همان چیزی که در ماه های اولیه عایدم شد وجود نداشته باشد. به همین دلیل شروع کردم به خواندن متن هایی که می شود آنها را انوذهای تازه زد و اجراهایی تازه از دلشان بیرون آورد. نمایشنامه ای را سال ها پیش نوشته بودم به

و بعد از شش ماه تقریباً آماده اجرا شدیم اما مشکل دیگری سر راه بود. «یاری مقدم دلیل اصرار بر اجرای نمایش را در این روزهای خاص این طور توضیح می دهد: «اگر همه این بسترهای فرهنگی تعطیل باشد و مردم هیچ منبع دریافت آگاهی نداشته باشند واقعاً چه چیزی راه اصلاح پیش خواهد گرفت؟ به عقیده من سالن های نمایش و محیط های فرهنگی کمترین خطر را برای سلامت خواهند داشت و حداقل خطر آنها بیشتر از محیط های شلوغ بازار و رستوران و... نیست. از طرفی دیگر، یک هنرمند تئاتر اگر یک سال بخواهد هیچ کاری نکند (وجه مادی قضیه را فاکتور می گیریم) با سرگردانی روح خودش باید چه کند. تئاتر آگاهی بخش و حیات بخش است و ما نمی توانیم آن را تعطیل کنیم. می شود هزاران هزار ایده برای ادامه فعالیت های تئاتری داشت و بر اساس مقتضیات روز و شرایط موجود این فعالیت ها را تعریف کرد اما اینکه کلاً تعطیلش کنیم بدون تردید هیچ حسنی نخواهد داشت.»

کارگردان نمایش «روز بخیر آقای اقبال» درباره سرنوشت این نمایش می گوید: «بالاخره بعد از آنکه تئاتر در گروه های پرخطر جایگاهش تغییر کرد فرصتی پیش آمد تا برای دو هفته این نمایش را روی صحنه ببریم. خیلی خیلی تلاش کردیم، حتی از جیب خودمان هزینه کردیم تا چندین و چند باره صندلی ها و کل سالن را پیش از هر اجرا، با کمک خود بچه های گروه ضد عفونی و ماسک تهیه کردیم و اقلام ضروری



اسم «روز بخیر آقای اقبال» که درونمایه ای طنز داشت و سه بازیگر، با خودم فکر کردم که می شود دوباره نویسی اش کرد و آن را به حال و هوای این روزها ربط داد و در اولین فرصت که سالن های نمایش اجازه کار داشتند آن را آماده اجرا کرد.»

او درباره شرایط تمرین برای اجرای این کار می گوید: «طبیعتاً اصلاً موضوع ساده نبود. به محض اینکه شروع به تمرین کردیم متوجه شدیم یکی از بچه ها حالش ناخوش است و وقتی تست داد متوجه شدیم کرونایش مثبت شده و همین باعث شد هم تمرین تعطیل شود و هم ترس به جان ما بیفتد.

خوشبختانه به من و دوست دیگر آن زمان سرایت نکرد و منتظر شدیم تا اوضاع کمی بهتر شود و در نهایت کمدار و مریز کار را پیش بردیم

دیگر را. استقبالی هم که شد بد نبود و به نظرم سویه طنز این نمایش در استقبال بی تأثیر نبود و در «روز بخیر آقای اقبال» ماجرای یک آدم بدشانس را تعریف کردیم که دست به هر کاری می خواست بزند یک اتفاق بد می افتاد و آن کار و بسیاری از فعالیت های آدم های اطرافش را که با او در ارتباط بودند به مخاطره می انداخت و...». یاری مقدم درباره اجرای کار طنز در این روزها و تأثیری که می تواند داشته باشد هم می گوید: «به عقیده من این تنها کاری است که می توانیم انجام دهیم. مردم خودشان گرفتار هستند و غم دارند. بهتر است ما با آماده کردن آثاری با کیفیت بالا و در حوزه طنز، کاری کنیم چند لحظه از این مشکلات فاصله بگیرند و بخندند. من اعتقاد دارم که هنوز هم می شود خندید و خنداند و چه عرصه ای بهتر از عرصه نمایش.»





تاریخ انتشار: دوشنبه ۴ مرداد ماه ۱۴۰۰ \* ۰۹:۱۰

## برنامه های «لاموزیکا» به هم ریخت



کارگردان نمایش «لاموزیکا» که قرار بود از ۳۰ تیر اجرای عمومی خود را آغاز کند، وضعیت فعلی و تعطیلی های پیش آمده کرونایی را باعث به هم ریختن برنامه ریزی های این گروه نمایشی ذکر کرد. الهام پاوه نژاد

کارگردان نمایش «لاموزیکا» که به همراه احسان کرمی در این اثر نمایشی به ایفای نقش نیز می پردازد، درباره وضعیت اجرای عمومی این اثر که قرار بود از ۳۰ تیر در کافه گالری باروک آغاز شود، به خبرنگار مهر گفت: واقعیت این است که در ابتدا قرار بود اجرای عمومی «لاموزیکا» از ۲۰ تیر آغاز شود که این زمان به دلیل شرایط کرونایی پیش آمده تغییر و به ۳۰ تیر موکول شد. سایت فروش بلیت نمایش باز و بلیت چند اجرای اول نمایش هم به طور کامل فروخته شده بود که با تعطیلی های جدید کرونایی مواجه شدیم. وی یادآور شد: تعطیلی های جدید کرونایی تمام معادلات و برنامه ریزی های گروه و برنامه ریزی مخاطبانی هم که بلیت نمایش را تهیه کرده بودند، به هم ریخت. پاوه نژاد با بیان اینکه چشم انداز روشنی نداریم و در یک باتکلیفی به سر می بریم، متذکر شد: هیچ مدیر و مسئولی یک جواب منطقی و قانع کننده به ما نمی دهد. کارگردان «لاموزیکا» با اشاره به اینکه این نمایش اثری طنز یا موزیکال نیست، افزود: با وجود این برنامه ریزی ما به گونه ای بود که تا پیش از شروع ماه محرم اجرای عمومی اثر را به پایان برسانیم که این برنامه ریزی هم به ناچار تغییر کرد. وی معتقد است با وجود انرژی و تلاشی که گروه نمایش «لاموزیکا» برای تمرین و تولید این اثر

صرف کرد وضعیت اجرای عمومی نمایش با توجه به شرایط موجود معلوم نیست. پاوه نژاد با اشاره به اینکه به باز شدن سایت فروش بلیت و آغاز اجرای عمومی «لاموزیکا» از روز دوشنبه ۴ مرداد، تأکید کرد: هنوز نمی دانیم که می توانیم از ۴ مرداد اجرای عمومی اثر را شروع کنیم یا با تعطیلی ها و محدودیت های جدید مواجه خواهیم شد. جرات و توان این را هم ندارم که اجرای عمومی «لاموزیکا» را لغو کنیم زیرا تمامی اعضای گروه تلاش مضاعفی برای تمرین و تولید این اثر داشته اند. این کارگردان و بازیگر تئاتر با بیان اینکه تماشاگر تئاتر نیز در شرایط فعلی نسبت به تهیه بلیت نمایش ها تعلل می کند زیرا منتظر است تا تکلیف تعطیلی و محدودیت ها مشخص شود، یادآور شد: همه برنامه ریزی های مادر زمینه اجرا و تبلیغات «لاموزیکا» به هم ریخته است. هیچ مسئول و مدیری هم وجود ندارد که به گروه های تئاتری مشورت دهد و پاسخی به پرسش های آن ها بدهد. وی در پایان سخنان خود درباره مبلغ حمایتی اعلام شده از سوی اداره کل هنرهای نمایشی برای گروه هایی که طی تعطیلی های اخیر کرونایی آثارشان را به صحنه نبردند، تصریح کرد: در نظر گرفتن مبلغ ۳ تا ۵ میلیون تومان برای گروه های متضرر کنونی واقعا خجالت آور و به نوعی توهین آمیز است.

تاریخ انتشار: دوشنبه ۴ مرداد ماه ۱۴۰۰ \* ۹:۱۰

الهام پایه نژاد: برنامه های «لاموزیکا» به هم ریخت

## کسی پاسخگوی تئاتری هانیست

هیچ مدیر و مسئولی یک جواب منطقی و قانع کننده به ما نمی دهد. کارگردان «لاموزیکا» با اشاره به اینکه این نمایش اثری طنز یا موزیکال نیست، افزود: با وجود این برنامه ریزی ما به گونه ای بود که تا پیش از شروع ماه محرم اجرای عمومی اثر را به پایان برسانیم که این برنامه ریزی هم به ناچار تغییر کرد. وی معتقد است با وجود انرژی و تلاشی که گروه نمایش «لاموزیکا» برای تمرین و تولید این اثر صرف کرد وضعیت اجرای عمومی نمایش با توجه به شرایط موجود معلوم نیست.

پایه نژاد با اشاره به اینکه به باز شدن سایت فروش بلیت و آغاز اجرای عمومی «لاموزیکا» از روز دوشنبه ۴ مرداد، تأکید کرد: هنوز نمی دانیم که می توانیم از ۴ مرداد اجرای عمومی اثر را شروع کنیم یا با تعطیلی ها و محدودیت های جدید مواجه خواهیم شد. جرات و توان این را هم ندارم که اجرای عمومی «لاموزیکا» را لغو کنم زیرا تمامی اعضای گروه تلاش مضاعفی برای تمرین و تولید این اثر داشته اند.

کارگردان نمایش «لاموزیکا» که قرار بود از ۳۰ تیر اجرای عمومی خود را آغاز کند، وضعیت فعلی و تعطیلی های پیش آمده کرونایی را باعث به هم ریختن برنامه ریزی های این گروه نمایشی ذکر کرد. الهام پایه نژاد کارگردان نمایش «لاموزیکا» که به همراه احسان کرمی در این اثر نمایشی به ایفای نقش نیز می پردازد، در باره وضعیت اجرای عمومی این اثر که قرار بود از ۳۰ تیر در کافه گالری باروک آغاز شود، گفت: واقعیت این است که در ابتدا قرار بود اجرای عمومی «لاموزیکا» از ۲۰ تیر آغاز شود که این زمان به دلیل شرایط کرونایی پیش آمده تغییر و به ۳۰ تیر موکول شد. سایت فروش بلیت نمایش باز و بلیت چند اجرای اول نمایش هم به طور کامل فروخته شده بود که با تعطیلی های جدید کرونایی مواجه شدیم. وی یادآور شد: تعطیلی های جدید کرونایی تمام معادلات و برنامه ریزی های گروه و برنامه ریزی مخاطبانی هم که بلیت نمایش را تهیه کرده بودند، به هم ریخت. پایه نژاد با بیان اینکه چشم انداز روشنی نداریم و در یک پلاتکلیفی به سر می بریم، متذکر شد:



وی در پایان سخنان خود درباره مبلغ حمایتی اعلام شده از سوی اداره کل هنرهای نمایشی برای گروه هایی که طی تعطیلی های اخیر کرونایی آثارشان را به صحنه نبردند، تصریح کرد: در نظر گرفتن مبلغ ۳ تا ۵ میلیون تومان برای گروه های متضرر کنونی واقعاً خجالت آور و به نوعی توهین آمیز است زیرا این مبلغ دردی از دردهای گروه رادرمان نمی کند.

این کارگردان و بازیگر تئاتر با بیان اینکه تماشاگر تئاتر نیز در شرایط فعلی نسبت به تهیه بلیت نمایش ها تعلل می کند زیرا منتظر است تا تکلیف تعطیلی و محدودیت ها مشخص شود، یادآور شد: همه برنامه ریزی های ما در زمینه اجرا و تبلیغات «لاموزیکا» به هم ریخته است. هیچ مسئول و مدیری هم وجود ندارد که به گروه های تئاتری مشورت دهد و پاسخی به پرسش های آن ها بدهد.



پیشتر محمد باقری، بنیادگذار و مدیر مؤسسه علمی و فرهنگی «پیشتر» در تهران، در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، اظهار داشت: «پیشتر» در سال ۱۳۸۲ تأسیس شد و در آن زمان، تنها یک نفر در آنجا مشغول به کار بود.



## آخرین وضعیت فعالیت سینماها و تئاترها

در چند وقت اخیر تعطیلات متغیری به ویژه در سالن های تئاتر شاهد بوده ایم که شامل تعطیلی سالن های دولتی و فعالیت سالن های خصوصی می شود. به گزارش ایسنا، در حالی که هنوز سالن های دولتی به دلیل تداوم وضعیت قرمز شهر تهران تعطیل هستند، سالن های خصوصی از امروز (چهارم مردادماه) خود را برای میزبانی اجراهای نمایشی آماده می کنند. در حال حاضر هم وضعیت شهر تهران همچنان قرمز است، ولی با اتمام تعطیلات شش روزه، ادارات و بانک ها از امروز کار خود را آغاز می کنند و سالن های سینما و تئاتر هم بار دیگر چراغ های خود را روشن خواهند کرد. به هر حال با شروع فعالیت دوباره سینما و تئاتر و در شرایطی که ظاهراً قرار نیست تعطیلی دیگری در پیش باشد، بعضی گروه های هنری از اجرا یا اکران آثار خود خبر می دهند. دیروز هم مشاور رسانه ای فیلم سینمایی «مدیترانه» در خبری اعلام کرده که اکران این فیلم به کارگردانی هادی حاتموند و تهیه کنندگی رشید حاتموند که به دلیل افزایش شیوع ویروس کرونا به تأخیر افتاده بود، از امروز در سینماهای کشور آغاز خواهد شد. به تازگی هم گروه اجرایی نمایش «ببو» از اجرای این اثر نمایشی بعد از تعطیلات شش روزه خبر داده بودند. قرار است این نمایش به نویسندگی و کارگردانی مهیار شیروانی از امروز اجراهای خود را در سالن گلایل پردیس تئاتر شهرزاد آغاز کند.



تاریخ انتشار: دوشنبه ۴ مرداد ماه ۱۴۰۰ \* ۰۹:۱۰

## اجرای دو نمایش از ایران در تئاتر پیچرسکای اکران

نمایش‌های هولوئومو "و" آئوئیس زنان" مهرماه ۱۴۰۰ در سالن تئاتر پیچرسکای شهر کیف به صحنه خواهند رفت. نمایش هولوئومور به کارگردانی رها حاج زینل پیش از این در سالن لوشاتو روی صحنه رفته است و سرگیتی یوردیلیاک سفیر کشور اکران در ایران بعد از تماشای این اثر نمایشی آن را برای اجرا در شهر کیف دعوت کرد. در همین راستا نمایش آئوئیس زنان به کارگردانی علی صفری نیز مورد اقبال مسئولان هنری و فرهنگی سفارت قرار گرفت و به عنوان دومین اثر برای اجرا در کشور اکران دعوت شد. هولوئومور روایتی از فحطی خودساخته استالین و نسل کشی مردم کشور اکران است، اثری که برای اجرا در شهر کیف بازنویسی شده و به اتفاقات معاصر کشور اکران همچون انقلاب ۲۰۱۴ نیز خواهد پرداخت. بنا به اطلاع روایت عمومی گروه تئاتر "سه گانه"، نمایش آئوئیس زنان دیگر اثر گروه تئاتر "سه گانه" نیز به موضوع نسل کشی می پردازد، این نمایش با مجوریت قرار دادن مصائب جنگ جهانی دوم بر زنان در سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر حضور یافت، همچنین این متن در شهرهای مختلف ایران روی صحنه رفته است. دو نمایشنامه هولوئومور و آئوئیس زنان به چاپ رسیده و هم اکنون در آستانه چاپ دوم قرار دارند. اجرای دو نمایش فوق شروع فعالیت بین المللی گروه تئاتر "سه گانه" است، این گروه پس از اجرا در شهرهای مختلف اکران راهی کشور لهستان خواهد شد.

## تبار

## در شرایط کرونایی کسی پاسخگوی تئاتر نیست



مواجه خواهیم شد. جرأت و توان این را هم ندارم که اجرای عمومی «لاموزیکا» را لغو کنم زیرا تمامی اعضای گروه تلاش مضاعفی برای تمرین و تولید این اثر داشته‌اند.

این کارگردان و بازیگر تئاتر با بیان اینکه تماشاگر تئاتر نیز در شرایط فعلی نسبت به تهیه بلیت نمایش‌ها تعلل می‌کند زیرا منتظر است تا تکلیف تعطیلی و محدودیت‌ها مشخص شود، یادآور شد: همه برنامه‌ریزی‌های مادر زمینه اجرا و تبلیغات «لاموزیکا» به هم ریخته است. هیچ مسئول و مدیری هم وجود ندارد که به گروه‌های تئاتری مشورت دهد و پاسخی به پرسش‌های آن‌ها بدهد.

وی در پایان سخنان خود درباره مبلغ حمایتی اعلام شده از سوی اداره کل هنرهای نمایشی برای گروه‌هایی که طی تعطیلی‌های اخیر کرونایی آثارشان را به صحنه نبردند، تصریح کرد: در نظر گرفتن مبلغ ۳ تا ۵ میلیون تومان برای گروه‌های متضرر کنونی واقعا خجالت‌آور و به نوعی توهین آمیز است زیرا این مبالغ دردی از دردهای گروه‌ها درمان نمی‌کند.

کارگردان نمایش «لاموزیکا» که قرار بود از ۳۰ تیر اجرای عمومی خود را آغاز کند، وضعیت فعلی و تعطیلی‌های پیش آمده کرونایی را باعث به هم ریختن برنامه‌ریزی‌های این گروه نمایشی ذکر کرد.

الهام پاوه‌نژاد کارگردان نمایش «لاموزیکا» که به همراه احسان کرمی در این اثر نمایشی به ایفای نقش نیز می‌پردازد، درباره وضعیت اجرای عمومی این اثر که قرار بود از ۳۰ تیر در کافه گالری باروک آغاز شود، به خبرنگار مهر گفت: واقعیت این است که در ابتدا قرار بود اجرای عمومی «لاموزیکا» از ۲۰ تیر آغاز شود که این زمان به دلیل شرایط کرونایی پیش آمده تغییر و به ۳۰ تیر موکول شد. سایت فروش بلیت نمایش باز و بلیت چند اجرای اول نمایش هم به طور کامل فروخته شده بود که با تعطیلی‌های جدید کرونایی مواجه شدیم.

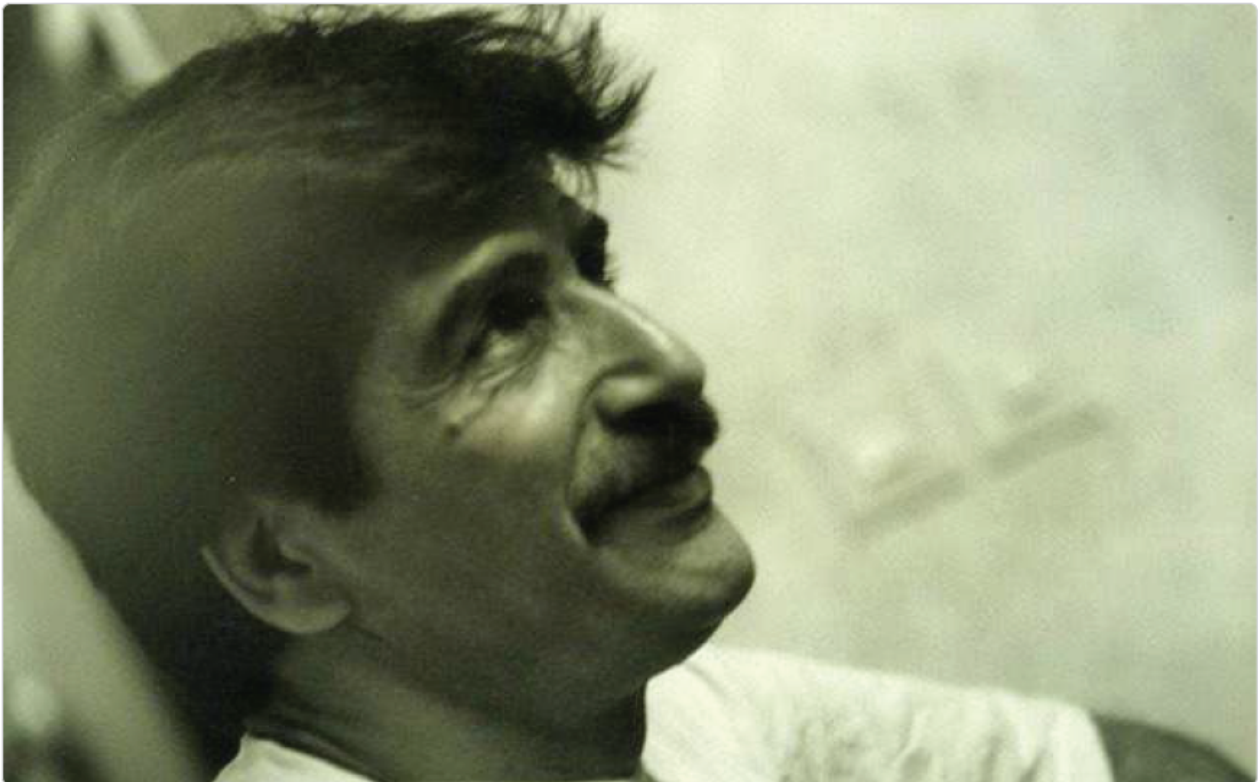
وی یادآور شد: تعطیلی‌های جدید کرونایی تمام معادلات و برنامه‌ریزی‌های گروه و برنامه‌ریزی مخاطبانی هم که بلیت نمایش را تهیه کرده بودند، به هم ریخت. پاوه‌نژاد با بیان اینکه چشم‌انداز روشنی نداریم و در یک بلا تکلیفی به سر می‌بریم، متذکر شد: هیچ مدیر و مسئولی یک جواب منطقی و قانع‌کننده به ما نمی‌دهد. کارگردان «لاموزیکا» با اشاره به اینکه این نمایش اثری طنز یا موزیکال نیست، افزود: با وجود این برنامه‌ریزی ما به گونه‌ای بود که تا پیش از شروع ماه محرم اجرای عمومی اثر را به پایان برسانیم که این برنامه‌ریزی هم به ناچار تغییر کرد.

وی معتقد است با وجود انرژی و تلاشی که گروه نمایش «لاموزیکا» برای تمرین و تولید این اثر صرف کرد و وضعیت اجرای عمومی نمایش با توجه به شرایط موجود معلوم نیست.

پاوه‌نژاد با اشاره به باز شدن سایت فروش بلیت و آغاز اجرای عمومی «لاموزیکا» از روز دوشنبه ۴ مرداد، تأکید کرد: هنوز نمی‌دانیم که می‌توانیم از ۴ مرداد اجرای عمومی اثر را شروع کنیم یا با تعطیلی‌ها و محدودیت‌های جدید



## دیگر حتی مرده پرست هم نیستیم



به شکل فردی و دوستانه بود و سازماندهی شده نبود. بلکه کمک‌های احساسی و عاطفی بود. مانا استاد محمد از مسالهای دیگر هم سخن می‌گوید: این روزها مدیران فرهنگی آنقدر گرفتاری دارند که در بهترین حالت می‌توانند امور روزمره تئاتر را سر و سامان بدهند چه برسد به موضوعاتی مانند حفظ خانه هنرمندان یا راه‌اندازی موزه برای آنان.

خانه محمود استاد محمد اما خانه‌ای ساده بود، در خیابان پلیس، رونق این خانه کوچک به صفای صاحبخانه بود. استاد محمد همان اندازه که فریفته تئاتر بود، به گل‌ها و گیاهان هم عشق می‌ورزید و خانه او با همه کوچکی‌اش، باغچه‌ای بزرگ داشت، باغچه‌ای پر طراوت و پر از شور زندگی و مرد صاحبخانه هر زمان که فرصتی دست می‌داد، ساعت‌ها با این باغچه در راز و نیاز بود. این خانه محل نگارش بسیاری نمایشنامه‌ها بوده است، محل سرودن بسیاری ترانه‌هایی که عموماً جایی منتشر نشده‌اند. در این خانه چه بسیار ایده‌هایی که برای اجرای نمایش رد و بدل شده و خدا می‌داند تک تک اجراهای آن چه بسیار از تئاتر شنیده‌اند. این خانه اگر در کشوری صاحب تئاتر بود، حتماً در حفظ و نگهداری‌اش تلاش می‌شد، حتماً موزم‌ای در آن راه‌اندازی می‌شد تا نسل‌های بعدی و دوستداران تئاتر بدانند خانه یکی از مهم‌ترین نمایشنامه‌نویسان اجتماعی‌شان چگونه مکانی بوده است. اما این حسرت را هم اضافه می‌کنیم به بسیاری حسرت‌های دیگر.

محمود استاد محمد، با نگارش نمایشنامه‌هایی همچون «آسید کاظم»، «شب بیست و یکم»، «قصص القصر»، «آنها مامور اعدام خود هستند»، «خونیان و خوزیان»، «سیری محتوم»، «چهل پله تا مرگ»، «عکس یادگاری»، «سپنج رنج و شکنج»، «دیوان تئاترال»، «تهرن» و ... در تئاتر ایران زمین ماندنی است حتی اگر هیچ کوچهای به نامش نباشد. او با بازی در نقش «خر» نمایش مشهور «شهر قصه» بیژن مفید در یاد دوستداران هنر همیشه زنده است.

سحرگاه سوم مرداد سال ۱۳۹۲ تئاتر ایران یکی از دوستداران راستین خود را در بیمارستان جم از دست داد. عاشقی که در محله اعدام به دنیا آمد و زندگی نه چندان بلندش و سه ساله‌اش بسیار فراز و فرود بسیار داشت اما یک چیز در آن ثابت بود: عشق به تئاتر و گل‌ها.

**کائنات** در اوج شیمی درمانی‌اش نه نگران تحریم دارو بود و نه در اندیشه هزینه‌های کمرشکن درمان، همه فکر و ذکرش پیش تئاتر بود. محمود استاد محمد چنین هنرمندی بود: بغایت عاشق. سوم مرداد هشتمین سالروز درگذشت محمود استاد محمد بود. هنرمندی که گویی از دل تاریخ آمده بود و عشقی اساطیری داشت. آنچنان که هر از زمان از تئاتر سخن می‌گفت، می‌توانستی حس کنی چگونه از عمق وجود خود سخن می‌گوید.

حتی زمانی که در بستر بیماری به دیدارش می‌رفتیم، همه سخنش از تئاتر بود و دلگیر بود که آینده این تئاتر را نمی‌شود پیش‌بینی کرد. می‌گفت شوربختی ماست که در تئاترمان واژه «تولید»، جایگزین «خلق» شده است.

و طبیعتاً چنین عاشقی آنچنان که باید قدر نمی‌بیند و این قدر نادیدگی هم در دوره حیاتش رخ داد و هم پس از آن. تا سال‌ها پیش از مرده‌پرستی به عنوان یکی از ایرادهای فرهنگی‌مان می‌گفتیم، اینکه وقتی عزیزی را از دست دادیم، تازه سیل توجه‌ها به سوی او معطوف می‌شود ولی حالا سالهاست که دیگر مرده پرست هم نیستیم و این گونه است که در هشتمین سالروز درگذشت محمود استاد محمد، دخترش مانا می‌گوید در این سال‌ها هیچ پیشنهادی از سوی هیچ مقام و مسئولی برای راه‌اندازی موزه محمود استاد محمد، نامگذاری خیابان یا کوچهای به نام او و حتی ابراز تمایل برای نگهداری از وسایل شخصی‌اش در موزم‌ای صورت نگرفته است.

مانا استاد محمد درباره تصمیم‌گیری برای راه‌اندازی موزم‌ای به نام این هنرمند می‌گوید: تاکنون هیچ پیشنهادی از سوی هیچ نهادی برای نگهداری خانه پدرم یا تبدیل آن به فضایی فرهنگی نداشته‌ام. هیچ صحبتی هم انجام نشده که به عنوان مثال وسایل شخصی ایشان در مکانی عمومی در معرض دید مخاطبان قرار بگیرد.

او یادآوری می‌کند: آنچه در سال‌های گذشته در بنیاد محمد استاد محمد رخ داد، با توان فردی خودمان بود که به طور شخصی از بعضی مسئولان درخواست همراهی می‌کردیم و آنان نیز به دلیل رابطه عاطفی که با پدرم داشتند، ما را در انجام امور بنیاد یاری می‌دادند ولی همه اینها